

موضوع: شهادت امام جواد علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله المعصومين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين

جهت تعجیل در ظهورش و سلامتی وجود عزیزش از هر گزندی و این که خدای بزرگ ما را از بهترین سربازانش قرار دهد صلواتی بفرستید.

مناسبت این نشست محترم در آستانه شهادت امام جواد علیه السلام قرار داریم بعثه آیت الله العظمی جوادى آملی این نشست را برگزار کردند و شما عزیزان هم زحمت کشیدید و آمدید. انشاءالله که خداوند متعال به لطف و کرم خودش قبول فرماید انشاء الله. حضرت در دهم ماه رجب سال 195 متولد می شوند و آخر ذی القعدة 220 به شهادت می رسند. شروع امامت طبق این تولد هفت سال و خرده ای است. بنابراین امامت امام علیه السلام در هفت سالگی و خرده ای است. امام در عصر دو حاکم قدر، مامون و معتصم زندگی می کردند و معروف است که معتصم است که امام را به شهادت می رساند.

اگر خواسته باشیم با یک نگاه خاصی به زندگی امام نگاه کنیم گاه یک نگاه طبیعی به زندگی امام داریم. اما یک دفعه یک نگاه اعجاز گونه و کرامت گونه داریم من می خواهم بخش دوم را بولدش کنم مخصوصا این که خبیثی مثل ابن تیمیه بخواهد انکار کند به دروغ. و بیان می کنم که دروغ او کجا بوده است.

طبیعی است هفت سالگی و امامت در این سن را برخی انکار کنند. خود قمی ها هم به شک می افتند.

در قم یادم هست موقعی جستجو میکردم که مردم قم بنا به تردیدی که داشتند، نامه نوشته بودند که ما سوالات پیچیده ای داریم و بفرستیم مدینه اگر این کودک توانست جواب داد ما امامت او را می پذیریم می خواهم بگویم برای قمی هایی که متهم به غلو هستند در رابطه با اهل بیت این مسائل هم بود که تردیدهایی را داشتند نسبت به امامت آن حضرت در سنین کم.

اما به هر حال امام سوالات را جواب می دهند که در تاریخ هم هست؛ مطلبی که دیدم کمتر روی آن تمرکز بوده و نقل کردند اما آن را تحلیل نکردند مناظره امام هست با یحیی بن اکثم؛ یحیی متفق علیه بوده بین عالمان اهل سنت در فضل و پُست و قضاوت و ... و بنی العباس هم پشت قضیه بودند و مترصد بودند که مناظره ای را قرار دهند، بین این کودک و یحیی؛ بنی العباس به سه دلیل رفته بودند به طرف این مناظرات و بدشان نمی آمد که از این بابت زخمی هم به اعتبار ائمه بزنند.

جلسه تشکیل می شود اولاً این را ما فقط نداریم. سبط ابن جوزی در کتابش هم این مناظره را نقل کرده است.

بزرگان ما هم مثل علامه حلی و دیگران هم نقل کردند اگر بخواهیم روی خود قضیه هم متمرکز شویم باید گفت این کار از عهده هر کس هم بر نمی آید و باید در حد امام جواد علیه السلام باشد که از عهده این کار برآید.

به هر حال ابن تیمیه است و افسار ندارد و انکار می کند. و می گوید که امام جواد چند سوال کرد!! در حالی که دروغ می گوید. جلسه تشکیل شده و مناظره اتفاق افتاد.

• سوال یحیی بن اکثم و مناظره

یحیی بن اکثم هم سوالی کرد که هر چه امام جواب دهند نهایتاً بگوید که منظور من این نبود. گفت نظر شما چیست راجع به این که فردی در حال احرام شکار می کند؟ ما باشیم ممکن است بگوییم حکمش این است و فلان است اما امام به یازده

صورت تقسیم کردند . و فرمودند در محدوده حرم بوده یا خارج؟ آگاه بوده یا جاهل؟ اولین بار بوده یا مرتبه دوم؟ کوچک بوده حیوان یا بزرگ؟ صید کننده بنده بوده یا آزاد؟ و صید پرنده بوده یا غیر پرنده؟ عمداً بوده یا خطا؟ صغیر بوده یا کبیر؟ پشیمان است یا بنا بر ادامه دارد؟

روز بوده یا شب بوده؟ احرام عمره بوده یا احرام حج بوده؟ امام دو هزار و چهل و هشت صورت درست کردند!! یعنی دورا یازده بار ضرب کنید 2048 و امام گفتند مشخص کن تا بعد من جواب تو را بدهم.

یحیی مثل بادکنک بادش خالی شد و یخ زد از این همه اشراف امام علیه السلام و بعد امام جواب می دهند و جواب کلی میدهند. اگر حرف ابن تیمیه را دیدید در رابطه با این مناظره امام که گفت امام فقط صورت مساله درست کرد، حرف غلطی است.

ما میخواهیم منصفانه اصل قضیه را انکار نکنیم، و در قامت یک فرزند نه سال یا هفت سال که امامت به او رسیده است این جریان را تحلیل کنیم و بعد امام از او می پرسند که من حال یک سوال دارم. در این جا یحیی گفت شما بپرسید اگر بلد بودم جواب میدهم و الا گوش به سخنان شما میدهم تا نظر شما را بپرسم.

• سوال امام از یحیی بن اکثم

بعد امام فرمودند چه میگوی در رابطه با زنی که بر مردی در بامداد حرام است ظهر حلال است و باز دوباره حرام می شود و عصر می شود حلال است و غروب حرام می شود و عشا حلال می شود و نیمه شب می شود حرام و طلوع فجر می شود حلال؟

بعد امام فرمودند صبح این زن کنیز دیگران بود، (حرام) روز که بالا آمد کنیز را خرید. (حلال) ظهر کنیز را آزاد کرد (حرام) و عصر با کنیز ازدواج کرد، شد حلال، غروب ظاهر کرد و شد حرام و عشا کفاره را داد شد حلال و نیمه شب طلاق داد، شد حرام و صبح طلوع فجر از طلاق رجوع کرد و شد حلال.

به هر صورت از این چیزها در زندگی ائمه زیاد داریم و این قدرت امام را می رساند؛ دوران امام جواد دوران ادامه پالایش روایات است. دوران صادقین علیهما السلام دوران بارش است. چهار هزار نفر آن طور که شیخ مفید نقل می کند ولو این که همزمان هم نبوده است. و البته محل بحث هم هست این تعداد و با این شرایط. و جای گفتگو دارد مطالب و اخبار زیاد است و ائمه تقیه می کنند و بیشترین مقدار تقیه مربوط به صادقین است و بر اساس مذاهب قم رفتار می کنند و سخن می گویند. طرف می آید سوال میکند و امام نگاه میکنند مثلاً متوجه میشوند فرد عراقی است و براساس مکتب عراق جواب او را میدهند. اما دوران امام کاظم عصر پالایش است و این عصر پالایش منتقل می شود به عصر امام رضا علیه السلام. و بعد امام جواد و بیشتر دوران امام هادی و امام عسکری علیهما السلام. سازمان وکالتی را که امام کاظم علیه السلام مدیریت میکردند به این دوره منتقل می شود. این قضیه در دوران امام جواد خیلی پررنگ است نماینده های امام علیه السلام با مردم د راین باره ارتباط دارند و امام هم این جریان را تقویت می کنند. و نکته دیگر این که من روایت زیاد از امام جواد ندیدم. ولی آن چه هست زیده هست؛ تحف العقول را نگاه کنید. مرحوم ابن شعبه حرانی که روایات امام جواد علیه السلام را روایت کرده است. روایات زیاد نیست ولی کیفیت زیاد است. من قدرت علمی امام را می خواستم بیان کنم آن هم در آن سن و سال. ایکاش این مطلب برای مردم بیان شود.

• قرآن بسندگی و روایت بسندگی؛ دو خطای فاحش

مطلبی که می خواستم بیان کنم این بود که دیدم برخی آقایان روی بحث حدیث خیلی تمرکز دارند. مطلبی که احساس کردم عدم بیان آن در رابطه با امام خطای فاحشی است، این است که روایت بسندگی کنیم همانطور که ما در رابطه با قرآن نیز دچار خطای قرآن بسندگی شدیم. کما این که برخی معتقدند هر چه در قرآن بیان شده و غیر آن مجوسیات و اسرائیلیات و ... است این دیدگاه ها است که اشتباه است.

جریان اول شد قرآن بسندگی و جریان دوم شد روایت بسندگی؛ که می گوید از قرآن فاصله بگیرید و هر چه روایات بگوید . و هر روایتی که شد و گاه درجه این روایت بسندگی به حدی قوی است که حتی سند روایت را هم ما نگاه نمی کنیم.

لذا ما از جریان اخباری گری و .. کم لطمه ندیدیم و کم ضربه نخوردیم. البته با غفلت از قرآن ... و بودند جریاناتی که ما هیچ از قرآن نمی توانیم استفاده کنیم ... البته صاحب حدائق جریانی را نقل می کند که در مسجد عتیق شیراز با یکی از اخباری ها بحث بود و روی سوره قل هو الله احد صحبت می کرد و و در نهایت در مقدمه حدائق می گوید ما دو گروه اخباریها هستیم اخباری افراطی و اخباری معتدل و می گوید خود من جزء معتدلیها هستم.

مطلبی که من می خواهم روی آن تاکید کنم عقل است و آن عقل ملازمه نیست؛ عقل مفسر است و هرکس که بخواهد استدلال کند باید این عقل را بپذیرد.

ما باید برویم به طرف مثلث قرآن، سنت و عقل. کما این که یکی از مراجع آیت الله نوری همدانی در یکی از مباحث خود از این مثلث صحبت کردند چنان که صحبتی بود مبنی بود بر جمع بین اصالت و معاصرت به هر صورت ما اگر بخواهیم از این تراش دفاع کنیم، باید در کنار قرآن و در کنار عقل باشد. یعنی این ها باید در کنار هم تفسیر شود. البته بحثهای مفصل و موردی دارد که در این جمع مجال آن نیست.

امیدواریم خدای بزرگ به ما توفیق آشناتر شدن به معارف نورانی اسلام را عنایت فرماید. و توفیق عمل عنایت فرماید. و انشاءالله که بتوانیم به دیگران انتقال دهیم. غیر از فهم و عمل ، بحث انتقال هم مطرح است.

هدیه می کنیم به روح نفیس و پاک ابوجعفر ثانی، امام جواد علیه السلام صلواتی بر محمد و آل محمد.